

نماد استعمارستیزی

به بهانه 55 امین سالروز درگذشت
زنده‌یاد دکتر محمد مصدق

ارشک کیا نی

زنده‌یاد دکتر محمد مصدق در 29 اردیبهشت 1261 هجری شمسی برابر با 20 مه 1882 میلادی در تهران به دنیا آمد. پدرش میرزا ابراهیم آشتیانی از پیروان میرزا تقی‌خان امیرکبیر و از رجال تجدطلب و وزیر دفتر استیفاء در دوران ناصری و مادرش ملک‌تاج‌خانم نجم‌السلطنه از نوادگان عباس‌میرزا قاجار و بنیانگذار بیمارستان نجمیه تهران بود. پس از تحصیلات ابتدایی و به دنبال مرگ پدر در سال 1271 هجری شمسی با وجود سن کم به اشتغال شغل پدری درآمد و پس از چند سال اشتغال به منظور تحصیل در رشته علوم سیاسی وارد مدرسه تازه‌تاسیس علوم سیاسی در تهران شد.

سال‌ها قبل از جنگ جهانی اول جوان لاغر اندامی به نام محمدخان با کلاه مقوایی و سرداری در میان دانشجویان فرانسوی به دلیل نظم و انضباط فکری و درسی و همچنین سریع‌اللهجه و زود عصبانی شدنش به (موسیو موهامد) شهرت پیدا کرد و در سال 1293 هجری شمسی با رساله‌ای تحت عنوان کاپیتولاسیون و ایران موفق به اخذ دکترای حقوق از دانشگاه سوییس گردید و در سیسالگی به عنوان جوان‌ترین وزیر دادگستری وقت در کابینه مشیرالدوله و پس از آن به سمت والی فارس منصوب گردید.

مصدق جوان و مشروطیت:

در روز دهم تیرماه 1286 هنگامی که کمتر از 25 سال سن داشت با امضاء سوگندنامه به عضویت جامع آدمیت درآمد و این سرآغازی برای شروع مبارزات يك آزادیخواه مشروطه‌طلب بود. آزادی و مشروطه را به خاطر به دست آوردن کرسی نمی‌خواست اما چون در هر کشوری آزادی و دموکراسی به وجود احزاب سیاسی و پویایی آنها گره خورده است در به وجود آوردن انجمن‌های مدافع آزادی و مشروطیت کوشش نمود.

کمتر از 30 سال سن داشت که به عنوان نماینده مردم اصفهان در مجلس انتخاب شد و در آنجا به دلیل صغر سنی با وجود آنکه برخی از افراد

با همین سن به مجلس رفتند، وی از رفتن به مجلس به دلیل احترام به قانون انصراف داد. به دلیل تعلق خاطر شدیدش به آرمان‌های انقلاب مشروطه نخستین کسی بود که در برابر کودتای سوم اسفند 1299 (کودتای سیدضیاء) مقاومت کرد و در کابینه مشیرالدوله در سال 1302 به عنوان وزیر امور خارجه، نخستین برخوردش با انگلیسی‌ها در مورد دستیابی به جزایر ابوموسی و شیخ شعیب به وقوع پیوست و مانع از اشغال آن جزایر از سوی بریتانیا شد. در کابینه سردار سپه از پذیرش مناصب دولتی اجتناب کرد و از سوی مردم تهران در پنجمین دوره قانونگذاری به مجلس رفت و در آنجا به دلیل درک درست از سیاست‌های نیروهای خارجی در تضعیف و تعدیل مطالبات و آرمان‌های انقلاب مشروطه با تغییر سلطنت مخالفت کرد و پس از دوره ششم مجلس ضمن مخالفت با پهلوی اول و استعفاء کامل از تمامی مشاغل دولتی به احمدآباد رفته و مشغول کشاورزی می‌گردد و سرانجام در سال 1319 در تهران توسط شهربانی وقت دستگیر و به بیرجند تبعید می‌گردد. پس از اشغال ایران در شهریور 1320 آزاد گردیده و در سال 1322 به عنوان نماینده مجلس در دور چهاردهم از طرف مردم تهران انتخاب می‌گردد و در آنجا قانون تحریم امتیاز نفت را در دوران کابینه ساعد به تصویب مجلس می‌رساند.

ملی شدن صنعت نفت و پیامدهای آن

بر خاورمیانه و معادلات جهانی:

آهای عبدالحسین خان: آیا این انتخابات آزاد است؟ آیا تو شرف داری؟... این رفتار شجاعانه و اعتراض به انتخابات فرمایشی در راستای تضعیف نهادهای مدنی و دستاوردهای بزرگ انقلاب مشروطه تا دهه‌های متمادی و تاکنون در ذهن و اندیشه تمامی دوستداران آزادی و وطن‌دوست تداعی می‌شود. زنده‌یاد دکتر محمد مصدق پس از تشکیل مجلس انتصابی پانزدهم و رد صلاحیت نمایندگان مدافع حقوق ملت و آزادی در راستای تصویب قرارداد گس-گلشایان با دست محکم بر سینه عبدالحسین هژیر نخست‌وزیر وقت کوبید و با فریادی بلند او را با آن گفته مذکور در سطور بالا مورد خطاب قرار داد. دولت بریتانیا که منافع خود را با سرسختی‌های دکتر مصدق و یارانش و همچنین تصویب طرح تحریم امتیاز نفت در کابینه ساعد در خطر می‌دید به سرعت به فکر اصلاحات جزئی و تجدید قرارداد 1933 به مدت 25 سال دیگر با شرکت ملی نفت ایران افتاد که بتواند این قرارداد را در مجلس فرمایشی تحت عنوان قرارداد گس-گلشایان در غیاب نمایندگان واقعی مردم به تصویب برساند، که در نهایت با تشکیل جبهه ملی به رهبری دکتر محمد مصدق و فسخ قرارداد مذکور منجر به رایه پیشنهاد ملی شدن صنعت

نفت در ایران تحت عنوان ذیل گردید.

«به نام سعادت ملت ایران و به منظور کمک به تامین صلح جهانی ما امضاءکنندگان ذیل پیشنهاد می‌دهیم صنعت نفت ایران در تمامی نقاط کشور بدون هیچگونه استثنایی اعم از عملیات اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری در دست دولت قرار گیرد.»

سرانجام نفت ایران ملی گردید و تحولات سیاسی در ایران همچون سبقه تاریخی گذشته خود منجر به تحولات بزرگ‌تر در منطقه گردید. اندیشه مصدق و یارانش سبب شکل‌گیری تفکرات ملی‌گرایي و ضد استعماری رهبران سه کشور (هندوستان- مصر- یوگسلاوی) جواهر لعل نهرو- جمال عبدالناصر- مارشال تیتو گردید. در هند منجر به استقلال کامل هند از بریتانیا شد، در مصر کانال سوئز ملی گردید و آثار آن در ذهن و اندیشه ملت مصر به گونه‌ای بود که روزنامه شرق‌الوسط از جمال عبدالناصر تحت عنوان جوجه مصدق شرق یاد کرد و خبرنگار مصری هنگام توقف کوتاه دکتر مصدق در فرودگاه قاهره او را غرق در بوسه کرده و وی را باعث غرور و مباحثات مشرق‌زمینی‌ها دانست. سرانجام اندیشه‌های ژرف و سرسختی دکتر مصدق و جبهه ملی منجر به شکل‌گیری جنبش غیر متعهدها گردید که اولین واکنش ابرقدرت‌های جهانی از جمله بریتانیا و شوروی و متعاقب آن آمریکا را در پی داشت. اقتصاد خسته و آسیب دیده بریتانیا از دو جنگ جهانی اول و دوم خود را بیش از گذشته وابسته به نفت ایران می‌دید. از دیگر سو اتحاد جماهیر شوروی علاوه بر تضعیف منافع اقتصادی خود در شمال ایران جنبش‌های ملی‌گرایانه در ایران و سایر کشورهای خاورمیانه و همچنین گرایش مردم به جبهه ملی ایجاد بدبینی به حزب توده را بر خلاف منافع خود می‌دید. آمریکا نیز در سفر 45 روزه هیات ایرانی به آمریکا پی برد که مصدق بر سر منافع و اموال ملت اهل معامله و سازش نیست. دیری نپایید کمپانی‌های بزرگ نفتی دنیا به اتفاق شوروی، بریتانیا، آمریکا در راستای منافع مشترک یکصدا در يك صف کمر به بستن براندازی دولت ملی و ابطال دستاوردهای حاصل از آن نمودند.

دولت ملی در ایران سقوط کرد اما بسیاری از دستاوردهای 27 ماهه دولت زنده‌یاد دکتر محمد مصدق تا به امروز پابرجاست و هرگز قدرت‌های سلطه‌گر جهانی نتوانستند قراردادهای نفتی ایران را به قرارداد 1933 بازگردانند.

مصدق، ملی‌گرا یا اصلاح‌طلبی پراگماتیسم

در باب وطن پرستی‌ها، صداقت، رو راستی، شفافیت سلامت فکری و اخلاقی، پاک‌دستی، قانون مداری و نظم و انضباط کاری که از بزرگ‌ترین ویژگی‌های مشترک همه نخبگان و قهرمانان ملی از جمله دکتر محمد

مصدق سخن به وفور آورده‌اند، که از آن جمله می‌توان به گفته «سر آنتونی ایدن» نخست‌وزیر وقت بریتانیا اشاره نمود که گفت: «خبر سقوط دولت دکتر مصدق زمانی به من رسید که با همسر و پسر در کشتی در دریای مدیترانه مشغول استراحت بودیم. پس از مدت‌ها آن شب راحت خوابیدم».

اما آنچه را که بیش از پیش باید به آن پرداخت نقش دکتر مصدق به معنای یک رفرمیسم واقعی در درون ساختار حاکمیت بود که از این منظر می‌توان مصدق را در میان تمامی رجال تاریخ ایران بی‌نظیر دانست. مصدق به معنای واقعی کلمه فرزند خلف و راستین انقلاب مشروطه بود و هرکجا هر کجی و ناراستی را بر خلاف قانون و دستاوردهای بزرگ مشروطه می‌دید بر نمی‌تابید. چون به درستی دریافته بود که یگانه راه برقراری دموکراسی از راه نظم و انضباط و مدنیت می‌گذرد و لازمه این نظم قانون و برپایی عدالت و تعهد به آن است. و در این راستا در ابتدایی‌ترین گام مبارزات خود با تغییر سلطنت مخالفت کرد زیرا آن را بر خلاف مشروطه و در راستای تعدیل دستاوردها و آرمان‌های انقلاب و دروازه‌های به سوی دیکتاتوری مستبدتر و مدرن‌تری می‌دانست.

اولین بودجه منظم ایران را در مدت صدارت کوتاهش بر ولایت آذربایجان نهادینه کرد و اولین شرط خود را برای پذیرش این صدارت استقلال کامل و تسلط بر نیروهای دولتی در ولایت آذربایجان دانست و در زمان نخست‌وزیری 27 ماهه خود با وجود تحریم‌های خارجی و تخریب‌های داخلی توسط نیروهای وابسته به شاه و دربار و بدون فروش نفت بدون یک دهم کسری بودجه تنها بر پایه کشاورزی تثبیت کرد. قانون انتخابات شوراها و مجلس را اصلاح و سپس اقدام به قدرتمندتر کردن نهادهای کوچک مدنی و مردم‌نهاد کرد. در اولین اقدام رای به آزادی کامل مطبوعات، استقلال کانون وکلاء ایران و دادگستری و همچنین برداشتن عکس خود در کلیه ارگان‌های دولتی نمود. پست وزارت جنگ را از شاه خلع کرده آن را مختص به نخست‌وزیر دانسته و دست شاه و دربار را از اظهار در امور اقتصادی و سیاسی مملکت کوتاه نمود و تنها آنها را به عنوان نماد هویت و تمامیت ارضی کشور قابل احترام می‌دانست و بر اساس اصل مشروطه هرگز خود را مخالف موجودیت و براندازی شاه از سلطنت نمی‌دانست و این نگاهی است که امروزه کشورهای حوزه اسکاندیناوی تحت عنوان دولت‌های رفاهی به سیستم اداره کشور دارند.

سرانجام بزرگ‌مرد ملی‌گرا و یکی از بزرگ‌ترین نمادهای استعمارستیزی قرن بیستم پس از سال‌ها تحمل رنج و بیماری غربت در وطن در تاریخ 14 اسفند 1345 در سن 84 سالگی در زادگاهش احمدآباد دیده از جهان فرو بست.

کارشناس ارشد روابط بین‌الملل
منابع: روزهای افتخار: دکتر عبدالرضا هوشنگ مهدوی
زندگینامه مبارزات سیاسی دکتر مصدق: نصرالله شیفته
کودتا: یروند آبراهامیان

مصدق به معنای واقعی کلمه فرزند خلف و راستین انقلاب مشروطه بود و هرکجا هر کجی و ناراستی را بر خلاف قانون و دستاوردهای بزرگ مشروطه می‌دید بر نمی‌تابید. چون به درستی دریافته بود که یگانه راه برقراری دموکراسی از راه نظم و انضباط و مدنیت می‌گذرد و لازمه این نظم قانون و برپایی عدالت و تعهد به آن است.

خبرنگار مصری هنگام توقف کوتاه دکتر مصدق در فرودگاه قاهره او را غرق در بوسه کرده و وی را باعث غرور و مباهات مشرق‌زمینی‌ها دانست. سرانجام اندیشه‌های ژرف و سرسختی دکتر مصدق و جبهه ملی منجر به شکل‌گیری جنبش غیر متعهدها گردید که اولین واکنش ابرقدرت‌های جهانی از جمله بریتانیا و شوروی و متعاقب آن امریکا را در پی داشت.

منبع: روزنامه اعتماد 16 اسفند 1400 خورشیدی